



# خود مدیریت کارگران در چشم انداز تاریخی ۱۹۵۰ - ۲۰۰۶



## توضیح گاهنامه کنترل کارگری:

راستا باشد. به هر رو اولویت برای ما، اهمیت تجارب مبارزات کارگری در زمینه کنترل کارگری در هر نقطه از دنیا برای مبارزه با سرمایه داری در جهت بدست گرفتن کنترل تولید و توزیع در کارخانه ها و کارگاه های تولیدی و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران است. آنچه از همه این تجارب بدست می آید، نشانگر این امر است که اگر مبارزه کارگران، دهقانان، بیکاران و دیگر مزد بگیران در یک محدوده بماند و آنها به دیگر بخش های جامعه گسترش ندهد، به راحتی یا توسط دستگاه نظامی سرمایه داری سرکوب میشود و یا توسط کارگزاران و تکنوکرات ها به انحراف کشیده خواهد شد و ساختار کنترل سرمایه را بازتولید خواهد کرد. بطور نمونه و بشکل کلی، با در نظر گرفتن ساختار اقتصادی - سیاسی، عوامل ذهنی همچون ساختار اجتماعی جامعه از نظر پیشینه تاریخی - فرهنگی، کارکرد نهادهای اجتماعی، سابقه احزاب، سازمانها، تشکلات کارگری و بلوغ سیاسی آنان و غیره در کشورهای در حال توسعه در شرایط بحرانی، کارگران دست به اشغال کارخانه یا واحد تولیدی میزنند، دست به تشکیل شورای

یکی دیگر از ترجمه های گاهنامه کنترل کارگری را در این شماره ارائه میدهم. همانطور که پیشتر هم اعلام کرده ایم، دست زدن به ترجمه این گونه مطالب به مفهوم موافقت با محتوای نوشته نیست، استفاده از تجارب مبارزات کارگری در زمینه کنترل کارگری در دیگر نقاط دنیا و فراز و فرودهایش و درس گرفتن از شکست و پیروزی ها، بخشی از هدف ماست. برای ریشه یابی علل شکست این مبارزات مطالعه و تحقیق پیرامون آن، شرایط خود ویژه یک کشور، کارگران هر کشور و عوامل تاثیر گذار بر این مبارزات را ضروری میکند. ارائه این تجارب میتواند برای کارگران ایران که در گذشته چنین تجربه ای را هرچند کوتاه مدت در تاریخ مبارزات خودشان داشته اند، برای پرهیز از اشتباه و برای درس آموزی، مورد استفاده قرار گیرد. در عین حال طرح نظرات مطرح شده در زمینه کنترل کارگری و خود مدیریت کارگری در زمینه تولید و توزیع میتواند بستر ساز بحث و تبادل نظر در این

هم فراهم کردن آزادی برای شکل بخشیدن به اشکال جدیدی از رابطه اجتماعی تولید و توزیع. به طور خلاصه WSM، به کارگران قدرت تصمیم گیری میدهد تا:

(۱) تصمیم بگیرند چه چیزی و برای چه کسی تولید شود

(۲) حفاظت از اشتغال و / یا افزایش اشتغال

(۳) اولویت سازی در تولید

(۴) مشخص کردن اینکه کی، کجا و چگونه، چه دریافت میکند

(۵) ترکیب تولید و تملک اجتماعی سود

(۶) ایجاد همبستگی طبقاتی در کارخانه، در سطح بخشها یا در سطح ملی / بین المللی

(۷) دمکراتیزه کردن روابط اجتماعی تولید

تجربه آرژانتین با WSM نمونه ایی از این توانایی های بالقوه است. در کارخانه های نساجی Brukman و سرمایه سازی Zanon همچون کارگران بیکار در Solano و دیگر نقاطی که تعاونی خود مدیریت کارگری بوجود آمده است، تصمیمات در مورد تولید و توزیع توسط مجمع عمومی کارگران گرفته میشود. شعار مردمی " حمله به یک نفر، حمله به همه است" شاهدهی برابرا بودن همبستگی موجود است.

از لحاظ تاریخی، تحقق توانایی های WSM با موفقیت های محدود و هم شکست مواجه بوده. بررسی برخی از تجارب عمده WSM در زمینه های مختلف تاریخی مفید خواهد بود.

### موارد تاریخی از خود مدیریت کارگری (WSM): یوگوسلاوی، شیلی، بولیوی، پرو

WSM در چندین کشور در زمانها و شرایط مختلف اجرا شده است. ما ۴ مورد یوگوسلاوی، شیلی، بولیوی و پرو را بررسی کرده و نقاط قوت و ضعف آنها را مورد بحث قرار خواهیم داد.

#### یوگوسلاوی

دکترین رسمی رژیم سوسیالیستی یوگوسلاوی بین سال های ۱۹۵۰ تا فروپاشی فدراسیون یوگوسلاوی، خود مدیریت کارگری (WSM) بود. در سراسر یوگوسلاوی همه کارخانه

کارخانه برای اداره کارخانه شان میزنند. اما در مدت زمان کوتاهی قدرت خود را از دست می دهند. یکی از دلایل آن، عدم گسترش مبارزه به دیگر بخش های کارگری و افشار اجتماعی است و یکی دیگر از آن محدود کردن خود به اشغال کارخانه با دیدی صنفی و نه صنفی - سیاسی، بدون در نظر گرفتن اینکه، اگر مبارزه گسترش پیدا نکند و بسوی بزیر کشیدن قدرت دولتی سرمایه و کسب قدرت سیاسی نرود، بدلیل اینکه در همان ساختار سرمایه باقی میماند، همان مناسبات سرمایه داری را بازتولید میکند و اینکه طبیعتا سرمایه داری برای بازپس گیری کنترل، از نیروی سرکوب و یا عوامل خود استفاده خواهد کرد.

اتحاد، استقلال، پیگیر بودن، گسترش دادن مبارزه و پیوند دادن آن به دیگر بخش های کارگری و مزد بگیران و افشار جامعه و آنگاه گام برداشتن بسوی گرفتن قدرت سیاسی، میتواند از شکست این جنبش ها پیشگیری کند. بدین منظور تاریخچه مختصری از جنبش خود مدیریت کارگری در قرن 20 و 21 و بررسی نمونه های کنترل کارگری در یوگوسلاوی، شیلی، بولیوی، پرو و آرژانتین را در این شماره ارائه میدهم.

### گاهنامه کنترل کارگری



#### پیش درآمد

خود مدیریت کارگران (WSM) به عنوان یک جنبش بزرگ در آرژانتین سربرآورده، خصوصا در سال جاری (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲) بیش از ۲۰۰ کارخانه توسط خود کارگران سازماندهی و کنترل می شوند و خود مدیریت شرکت ها در سطح ملی دارند سازماندهی می شوند از لحاظ تاریخی، WSM (خود مدیریت کارگری) محور پروژه سوسیالیستی می باشد، قدمت آن به جمله معروف کارل مارکس بر می گردد "رهایی کارگران می تواند فقط توسط خود کارگران صورت بگیرد". در اینصورت، WSM (خود مدیریت کارگری) به عنوان راه سوسیالیسم در مقابل بوروکراتیسم تمرکز گرای اتحاد شوروی سابق و نظام سلسله مراتبی مدیریت سرمایه داری قرار می گیرد. این مقاله به طور خلاصه توانایی های زیاد بالقوه WSM (خود مدیریت کارگری) را بررسی می کند و سپس به درس های تاریخی قرن ۲۰ که به شرایط فعلی آرژانتین ارتباط دارند، خواهد پرداخت.

### قابلیت های WSM (خود مدیریت کارگری)

WSM تجربه ای واقعا رهایی بخش است، هم از نظر رها کردن طبقه کارگر از سواستفاده و ناامنی سرمایه داری و

کنترل از پایین اداره میشدند، حزب و اتحادیه صنفی تابع قدرت شورای عمومی که همه کارگران کارخانه در آن شرکت میکردند، بودند. جنبش خود مدیریت کارگری (WSM) در برابر بسته شدن کارخانه ها مقاومت میکرد، از شغل کارگران محافظت میکرد و بطور وسیعی شرایط اجتماعی یا کار را بهبود می بخشید. مهمتر از همه آگاهی سیاسی کارگران را افزایش میداد.

متأسفانه، خود مدیریت کارگری در فضای یک رژیم پارلمانی سوسیالیستی و در ساختار سرمایه داری دولتی شکل گرفت. خود مدیریت کارگری شرایط قدرت دوگانه ی بین قدرت کارگران در کارخانه ها و از سوی دیگر دستگاه دولتی بورژوازی- نظامی را بوجود آورده بود. دولت آئنده سعی میکرد که مابین این دو کانون قدرت، با مخالفت با مسلح کردن یا با تحت فشار گذاشتن کارگران، توازن را بوجود بیاورد. نتیجه کار کودتای نظامی ۱۹۷۳ بود که به سقوط دولت آئنده و نابودی جنبش خود مدیریت کارگری انجامید. درس این تجربه روشن بود: هرچه موفقیت و پیشرفت خود مدیریت کارگری و سرایت آن به سراسر کشور افزایش می یافت، طبقه سرمایه دار و مالکان بسوی خشونت و سرکوب بیشتر برای بازپس گیری کنترل بر تولید پیش میرفت. سرمایه داری در مرحله اول با خرابکاری در امر تولید و توزیع توسط اعتصاب رانندگان کامیون ها پیش رفت، سپس با بلوکه کردن اعتبارات مالی و در انتها بشکل نظامی و اعمال دیکتاتوری به هدف خود رسید. WSM تلاش کرد که آئنده را در برابر خطر فوری که تهدید میکرد به واکنشی قاطعانه و ادارد ولی او کورکورانه به شیوه های پارلمانی متعهد بود، بدین ترتیب WSM شکست خورد. اگر WSM در شیلی به مانند یوگسلاوی از کارخانه ها و حوزه سازماندهی پایه خارج میشد و بسوی گرفتن قدرت دولتی میرفت، کارگران در شرایط برتری برای محافظت از فرم خود مدیریت کارگری قرار میگرفتند.

### بولیوی

سیستم خود مدیریت کارگری در بولیوی از انقلاب مردمی ۱۹۵۲ سربرآورد، آنجایی که اتحاد معدن کاران آگاه، دهقانان و خرده بورژواهای ملی گرا رژیم الیگارشی وابسته به امپریالیست را سرنگون کردند. در مرحله اول انقلاب، ملیشای مسلح کارگران و دهقانان توانستند ارتش را نابود کنند، سلب مالکیت معادن و تحقق بخشیدن به توزیع مجدد زمین را انجام دهند. ملیشای مسلح معدن چیان، بواسطه اینکه مجامع و اتحادیه هایشان، از نظر جغرافیایی و سیاسی محدود به سنگر هایشان در کوهستان میشد، از توده وسیع دهقانان بدور افتاده بودند، توده دهقانی که تحت تاثیر ملی گراهای خرده بورژوا (جنبش ملی انقلابی) که توانسته بودند

های بزرگ تحت سیستم WSM بودند، و نتیجتاً تاثیر بزرگی بر تولید و درآمد نسبت به سایر کشورهای سوسیالیستی سابق داشتند. بهداشت رایگان، آموزش و پرورش و امنیت اشتغال توسط WSM تضمین می شد. جنبش WSM در یوگسلاوی از فراز شکست فاشیسم، جدایی تیتو رئیس جمهور یوگسلاوی از استالین و اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب سوسیالیستی فرا روئید.

خود مدیریت کارگری (WSM) چند دوره را طی کرد، در اولین دوره ۱۹۵۰-۱۹۶۴ در حالی که حزب کمونیست سیاست ملی را، کنترل و تعیین میکرد، در سطح کارخانه ها خود مدیریت کارگری عمل میکرد، دوره بعدی از ۱۹۶۵-۱۹۷۲ تحت "اصلاح بازار" قرار داشت، در دوره دیگر، خود مدیریت کارگری کارخانه ها تحت تاثیر فشار سرمایه داری قرار گرفتند که نابرابری اجتماعی بزرگی بین دو بخش کارخانه ها و بخش اقتصادی همچنین بیکاری نتیجه آن بود؛ دوره بین سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۰ سر برآوردن شوونیسم قومی، فشار صندوق بین المللی پول و انحطاط حزب کمونیست یوگسلاوی که منجر به مرگ نهایی WSM شد.

موفقیت اولیه تجربه خود مدیریت کارگری WSM در یوگسلاوی در طی ۳۰ سال، نتیجه مبارزه توده ای ضد فاشیستی، ضد استالینیستی دوره ۱۹۴۰-۱۹۵۰ بود که به بسیج و سیاسی شدن طبقه کارگر، افزایش آگاهی طبقاتی و سازماندهی آنان انجامید. محدودیت های WSM در یوگسلاوی همیشه با این واقعیت روبرو بوده که دولت همیشه در دست حزب کمونیست قرار داشته که WSM را در سطح محلی و یا بخش ها محدود کرده بود و به این ترتیب یک سیستم دوگانه قدرت میان دولت بوروکراتیک و کارخانه های مبتنی بر جنبش WSM بوجود آورده بود. وقتی بوروکراسی به سمت بازار رفت و بعداً سیاست های قومی افزایش یافت، سیستم WSM رو بزوال رفت.

### شیلی

در شیلی، تحت حکومت آئنده (1970-1973) بیش از ۱۲۵ کارخانه تحت نوعی از سیستم WSM اداره میشدند. در حدود نیمی بیشتر شان توسط کارکنان بخش عمومی کنترل می شد، پنجاه درصد دیگر توسط کمیسیونی از کارگران در کارخانه ها کنترل می گردید. مطالعات نشان داده است کارخانه هایی که تحت خود مدیریت کارگری (WSM) قرار داشتند، بسیار بهرورتر و کارآمد تر و کم نقص تر از کارخانجات تحت مدیریت متمرکز دولتی بودند. جنبش خود مدیریت کارگری در جهت هماهنگی در تولید و دفاع از خود در برابر تهاجم سرمایه دست به ایجاد کمربندهای صنعتی زدند. در کارخانه های موفق که بشیوه

نظامی، کنترل قدرت مرکزی به ارث رسیده از دولت سرمایه داری پیشین و تفاوت دستمزد ها را حفظ کرده بودند. وقتی کارگران متوجه شدند که تعاونی و جوامع صنعتی که از بالا سازماندهی شده بودند، در جهت منافع آنها گام برنمی‌دارد، برای تضمین کنترل و برابری بیشتر، با توسل به اعتصابات پی در پی بر علیه شرکت های خود، سعی در دمکراتیزه کردن آن داشتند. سرانجام تحت حاکمان نولیبرال، کارخانه ها و مزارع خصوصی شدند و قوانین مترقی کار که در دوران حکومت "ونلاسکو آوارز" برقرار شده بود، برچیده شد. درسی که از پرو میتوان گرفت این است که ملی کردن از بالا ساختار هر می سرمایه داری را بازتولید میکند و نقش کارگران را در بخش عمومی به حاشیه می‌راند. اهداف اجتماعی بدست آمده بواسطه مبارزه کارگران نیز توسط بورکرات ها که با معیار سرمایه عمل میکنند کمتر و کمتر میشود. فساد و مدیریت غلط بورکراتها نبود کنترل کارگری حاصلش خصوصی شدن میشود.

### تجربه تاریخی و آرژانتین

درس های مهمی از تجارب گذشته بواسطه خود مدیریت کارگری بدست آمده با رشد فزاینده مدیریت کارگری کارخانه ها در آرژانتین در ارتباط است.

- (۱) دلیل موفقیت پیشین مدیریت کارگری در کارخانه ها، ساختار افقی آن براساس مجمع عمومی بود. موفق عمل کردن در شیلی و یوگوسلاوی به این دلیل بود که بر پایه شورای کارگری و مجمع عمومی کارخانه عمل کرده بود.
- (۲) موفقیت در یک بخش، معادن در بولیوی، کارخانه ها در شیلی به گسترش خود مدیریت کارگری به دیگر بخش ها و اتحاد با دیگر طبقات بستگی دارد، چیزی که پیشروان کارگری در انجام آن موفق نبودند.

(۳) پیروزی های محلی و قدرت دوگانه آگاهی طبقاتی را بالا میبرد و شرایط کارگران را بهبود می بخشد، اما واکنش خشونت بار طبقات حاکمه را هم برمی انگیزد. واماندگی خود مدیریت کارگری در بولیوی و شیلی در فرا رفتن از قدرت محلی به کسب قدرت دولتی، حاصلش فشار بورژوازی از طریق کودتای نظامی بود: ضد قدرت یا قدرت دوگانه شرایط موقت و متزلزل را بوجود می آورد که به ناچار با حل موضوع قدرت سیاسی به نتیجه میرسد.

(۴) زمینه رشد برای جنبش خود مدیریت کارگری در کشورها و در شرایط مشخص شان متفاوت

کنترل را بدست گرفته و دولت بورژوازی را باسازی کنند، قرار گرفته بودند.

این شرایط قدرت دوگانه ای را بوجود آورده بود که امکان درگیری در شرایط پس از انقلاب را افزایش میداد. در طی سال ۱۹۵۰، جنبش کارگران بولیوی با اقدام مسلحانه، اعتصاب عمومی، و مبارزه مسلحانه برای دفاع از اهداف انقلاب دست به عمل زده بودند، در حالی که جنبش ملی انقلابی (ملی گراهای خرده بورژوا) ملی کردن معادن را در کریدورهای اداری و کاغذ بازی سردرگم کرده بودند، دست به تشکیل کمپانی دولتی معادن زده که بالاخره توسط COMIBAL کنترل معادن را از دست کارگران خارج کرده و مالکیت دولتی برآن را حفظ کردند. در ۱۹۶۴، کودتای نظامی به اشغال نظامی موقت معادن منجر شد. با اینحال، اتحاد کارگران - دهقانان به همراه نیروهای پیشرو نظامی دولت J.J. Torres در سال ۱۹۷۰ سبب شد تا قدرت مردمی در مجلس ملی مردمی تجلی پیدا کند. در حالی مجلس، قوانین انقلابی را تصویب میکرد که دولت، قدرتی برای اجرای آن قوانین را نداشت. کودتای نظامی به رهبری ژنرال بانزر مجلس را منحل و نیروی نظامی معدن چیان را از بین برد.

درسی که از اتفاقات بولیوی میشود گرفت این است که خود مدیریت کارگری آسیب پذیر خواهد بود اگر که محدود به یک بخش (در اینجا معادن) بماند و به دیگر بخش های توده ای گسترش پیدا نکند و با آنها متحد نشود، در اختیار داشتن مجلس توده ای بدون پشتوانه اجرایی و دولت و یا نیروی مسلح توده ای در برابر کودتا آسیب پذیر خواهد بود. درس دیگر اینست که کارگران با محدود کردن خود به کنترل کارگری کارخانه ها بدون گذر از آن (منظور نرفتن بسوی کسب قدرت سیاسی) شرایط را برای تکنوکرات های خرده بورژوا و بورکرات مهیا کردند تا کنترل را از کارگران پس گیرند و آن را در دستگاه دولتی متمرکز کنند و سرمایه مردمی را همانند شرکت سرمایه داری بگردانند.

### پرو: انقلاب از بالا

در ۱۹۶۷ گروهی نظامی پیشرو و ملی گرا به رهبری ژنرال "ونلاسکو آوارز" قدرت را بدست گرفتند. رژیم جدید با مصادره بیشتر معادن، کارخانه ها و مزارع و با دو نوآوری: تعاونی صنعتی و جوامع صنعتی، شروع به کار کرد. تعاونی صنعتی براساس مدیریت کارگری شکل گرفته بود و بطور چشمگیری افزایش تولید و بهره وری اجتماعی اقتصادی را نتیجه داد، اما در نهایت مدیریت دولتی کنترل سیاست گذاری را بدست خود گرفت و نمایندگان کارگران را به حاشیه راند. جوامع صنعتی قرار بود شکلی از همیاری بین مسئولین نظامی و کارگران باشد، اما مسئولین

تجربه خود مدیریت کارگری در آرژانتین منجر به اشکال جدیدی از سازمان اجتماعی مجامع عمومی شد. همانطور که "والدمار" (MTD-Solano) اشاره کرده، راهنمای اصول سازماندهی جنبش، دمکراسی مستقیم است، افقی و مستقل. بی اعتمادی به نمایندگان دمکراسی بر پایه تجربه پیشین با اتحادیه های صنفی و محلی بود که رهبرانشان خریده شده و فاسد بودند. همانطور که در مورد تجربه بولیوی مطرح شد که این مشکلی واقعی است.

جنبش خود مدیریت کارگری، بخصوص در میان فعالین کارخانه اشغال شده متوجه نیاز به همبستگی با دیگر جنبش ها و بخش های عمومی دیگر بودند. بطور مثال، در قبال تهدید دولت به تخلیه کارخانه، فعالین اقدام به فراخوان عمومی در محله دادند و از جنبش بیکاران خواستند که برای دفاع از محل کارایشان، به آنها پیوندند. هماهنگی بین جنبش کارگری اشغال کارخانه و کارگران بیکار رشد کرده بود، بویژه در شرایط بحران و افزایش فشار دولت بر کارگران. همانطور که "هکتور" (MTD) از (Guernica) عنوان کرده، تهدید نظامی، ضرورت اتحاد وسیع توده ای بین کارخانه ها و مجامع عمومی و MTD را تحمیل میکند.

برخی از رهبران جنبش کارگران بیکار نه تنها محدودیت جزیره خود مدیریت کارگری (محدود بودن در یک کارخانه یا بخش و عدم گسترش آن) در بازار سرمایه را درک کرده اند، بلکه دریافته اند که به مشارکت فعالانه در مبارزه سیاسی عمومی در سطح ملی نیاز هست. همانطور که "مارتینو" از MTR در جلسه FSM گفته، "علاوه بر حل مشکلات فوری و به رسمیت شناختن اهمیت ساختن قدرت محلی، مهم است که درک کنند که این قدرت محلی به ساختن یک نیروی سیاسی، نیروی ملی اجتماعی، مرتبط است. شکل بوجود آوردن اتحاد بین جنبش کارگران بیکار و WSM (خود مدیریت کارگری) در کارخانه های اشغال شده توسط هیئت شرکت کننده Zanon بشکل زیر توضیح داده شده است. در مراحل اولیه اشغال کارخانه سرامیک، کارگران سازمان یافته بیکار به آنان پیوستند و به مقابله با فشار مالکان کارخانه برای بیرون انداختن کارگران از کارخانه توسط پلیس دست زدند. مقاومت متحد توده ای جلوی مالکان و پلیس را گرفت. در پی آن، کارخانه شناخته شده سرامیک Zanon به افزایش تولید و استخدام ۱۰ کارگر از میان جنبش کارگران بیکار دست زد.

جنبش WSM در آرژانتین دو رویداد ملی را سازماندهی کرد، راهپیمایی روز ۲۴ آگوست ۲۰۰۲ با شرکت ۳۰۰۰ تن از کارگران و نمایندگان کارخانه های اشغال شده که از طرف رهبران اتحادیه های صنفی مخالف حمایت میشدند، خواستار گرفتن کنترل تمام واحدهای تولیدی ورشکسته، آنهایی که حقوق و دستمزد ها را پرداخت نمیکنند، کارگران

میباشند. مثلا در یوگسلاوی جنبش خود مدیریت کارگری با جنگ ضد فاشیستی کارگران آغاز شد و با اشغال وسیع کارخانه ها تحت رهبری حزب کمونیست یوگسلاوی به اوج خود رسید. در شیلی، جنبش خود مدیریت کارگری حاصل سیاست های دولت و دخالت مستقیم کارگران برای جلوگیری از خرابکاری های سرمایه داری، بود. در بولیوی، جنبش خود مدیریت کارگری با قیام عمومی ضد الیگارش ریشد کرد. فقط در یوگسلاوی جنبش خود مدیریت کارگری توانست سه دهه قدرت را در دست داشته باشد و این بیشتر به این دلیل بود که قدرت در دست حزب کمونیست غیر استالینیستی قرار داشت. خود مدیریت کارگری برای اینکه بتواند خودش را تحکیم و در جهت عمل کند نیاز دارد تا از محدوده محلی به سطح ملی، از کارخانه به دولت، از کارگران استخدامی صنعتی به بیکاران، جوانان، زنان و اقلیت های قومی، حرکت کند و گسترش پیدا کند.

جنبش رو به رشد خود مدیریت کارگری در آرژانتین، بخصوص در کارخانه های اشغال شده و شرکت ها سازمان یافته جنبش کارگران بیکار (MTD) بحث وسیعی را در ارتباط با ساختار، مسیر و سیاست های جنبش دامن زد. در فورم اجتماعی جهانی (Foro Social Mundial) مورد شرکت های تولیدی، طرح مسئله بیکاری و پیشنهاد کار سازی با دخالت کارگران Grissinopoli and Bruckman نشان داد که تصاحب کارخانه توسط کارگران نتیجه یک ضرورت بود و نه ایدئولوژی: چند ماه بود که کارگران دستمزد دریافت نکرده بودند و زمانی که دستمزدشان پرداخت شد، با کاهش دستمزد همراه بود، صاحب کارخانه در حال خالی کردن کارخانه و برچیدن ماشین آلات و غیره بود. بزبان دیگر، تصاحب کارخانه توسط کارگران عملی از روی ناچاری برای حفظ شغلشان بود. وقتی کارخانه ها سازماندهی شدند، آنوقت بود که در مجامع عمومی، بیشتر کارگران سیاسی کار، سازماندهی کارگری برای تولید و فروش بدون سرمایه داری را پیشنهاد کردند. سرانجام، حرکت بسوی خود مدیریت کارگری، نظر اقتصاد دانان و افراد حرفه ای را در جهت دادن مشاوره تکنیکی برای چگونه گرداندن کارخانه ها، بخود جذب کرد. در مسیر این تحولات، همانطور که "ایوانا" از Grissinopoli گفته: "ما هر روز در حال یاد گرفتن هستیم... مبارزه طولانیست... ولی ما یاد میگیریم تا از موانع بگذریم، چرا که ما به هم گوش میدهم و همدیگر را میفهمیم". مبارزه و تمرین خود مدیریت با اشغال کارخانه بیشتر از زمان پیش از آن، آگاهی طبقاتی ایجاد میکند.

موفقیت سیاسی و اجتماعی تشکیلات توده ای در WSM و جنبش بیکاران همانطور که در دیگر کشورها دیدیم، خشونت و فشار طبقات حاکم را برمی انگیزد. در همان حالی که جنبش ها رشد میکنند و وسیعتر میشوند، باید دست به ایجاد مکانیزم های دفاع از خود دست زد و اشکال متفاوت مقاومت را در نظر گرفته و شکل دهند تا به سرنوشت جنبش های WSM در شیلی و بولیوی دچار نشوند.

کلید موفقیت WSM در آرژانتین، در عمق بخشیدن به روابط شبکه های موجود مثل مجامع محلی، اتحادیه های صنفی پیشرو و سازمان غیر متشکل، بستگی دارد. همچنان که بحران عمیق تر میشود، کارخانه ها پی در پی بسته میشوند و فشار افزایش میابد، اتحاد عمل مشترک در اولویت بالای قرار میگیرد. اساس سیاست همبستگی (حمله به یکنفر، حمله به همه است) نقطه شروع خوبی در جهت شکل بخشیدن به جنبش سیاسی ملی که قادر به چالش کشیدن قدرت دولتی میباشد.

James Petras and Henry Veltmeyer

September 25, 2002

<http://www.rebellion.org>

ترجمه از: گاهنامه کنترل کارگری



## اخبار کارگری

### معدنچیان معترض اسپانیایی به مادرید رسیدند

در اسپانیا بیش از ۱۰۰ کارگر معدن که از چند هفته پیش حرکتی با نام «راه پیمایی سیاه» را آغاز کرده بودند، به مادرید رسیده اند. آن ها که نزدیک ۴۰۰ کیلومتر مسافت را از بخش های شمالی اسپانیا تا پایتخت پشت سر گذاشته اند، تا سه شبه شب در راه مادرید بودند.

را اخراج میکنند و یا ماشین آلات و تجهیزات را بفروش میرسانند، شدند.

با اینحال جنبش WSM درگیر بحث های اساسی حول چند موضوع قرار دارد:

(۱) آیا اداره کارخانه اشغال شده باید بشکل تعاونی باشد یا خود مدیریت کارگری؟

(۲) در مورد اتحاد، آیا باید سیاست مداران احزاب سنتی را دربر گیرد یا اتحاد با هیچ حزبی درست نیست و یا فقط اتحاد با احزاب چپ اصولی است (کدامشان)؟

(۳) آیا چشم انداز جنبش باید تمرکز خودش را کاملاً بر فعالیت محلی بگذارد، یا منطقه ای و یا در سطح ملی؟

تجارب گذشته تاریخی در این زمینه به ما راهنمایی های میکنند.

اول اتحاد با احزاب سنتی به رهبران شان کمک کرد تا WSM را از گسترش مبارزه بازدارد و ساختار داخلی جنبش را بورکراتیک کند. موفق ترین اتحادها، اتحادهای افقی شبکه ای کارگران و توده سازماندهی شده در مجمع عمومی هستند با چشم انداز طبقاتی در جهت تغییر قدرت دولتی.

دوم، در حالی که تعاونی ها شرایط زندگی اعضای خودشان را بهبود میبخشیدند، در همان حال ایرادات سیستم سرمایه داری را هم متوجه میشدند. در زمانی که نزدیک به ۶۰٪ مردم در زیر خط فقر قرار دارند و ۴ میلیون از ۸ میلیون کودک در زیر خط فقر زندگی میکنند و از سوء تغذیه و بیماری های مربوطه رنج میبرند، نیاز سیاسی این است که از "جزیره" (محدود کردن جنبش به یک کارخانه یا محل یا منطقه) فراتر رفته تا تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی - اقتصادی را با موفقیت به انجام رساند و از ساختار سرمایه داری خشن به خود مدیریت کارگری سوسیالیستی گذر کند.

سوم، با اینکه استقلال جنبش کارگران بیکار و WSM با رد سرپرستی دولت و کنترل احزاب یک نکته مثبت ارزیابی میشود، اما اشتباه خواهد بود که دست رد به هر گونه اتحادی با احزاب چپ و دیگر جنبش های اجتماعی که اهداف مشترک و تاکتیک عمل مستقیم را دنبال میکنند، زد. مثال بولیوی، با داشتن آگاهی بالایی طبقاتی اما به افراط کشیدن استقلال تشکل شان آنها را به انزوا کشاند و عملاً خودشان، خود را شکست دادند.

چهارم، در بهترین حالت ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ کارگر بیکار سازماندهی شده و فعال هستند، در حالی که تقریباً ۵ تا ۶ میلیون کارگر بیکار وجود دارند که سازماندهی نشده اند.



### مردم مادرید همصدا با معدنچیان از سیاستهای اقتصادی دولت انتقاد کردند

همزمان با اعلام برنامه‌های جدید ریاضت اقتصادی اسپانیا هزاران تن از معدنچیان این کشور در مادرید دست به تظاهرات زدند.

بسیاری از این معدنچیان که پس از بیست روز راهپیمایی شب گذشته خود را از شمال این کشور به پایتخت رسانده بودند، همداستان با پایتخت نشینان بعضا با پوشیدن لباسهای سیاه نسبت به سیاستهای اقتصادی دولت و تیرگی آینده کاری طبقه کارگر اعتراض کردند.

مانوئل آلونسو یکی از معدنچیان که با سابقه ۲۳ سال کار بازنشسته شده است می‌گوید: " دولت باید این را ببیند و بفهمد که وضعیت همه اسپانیا همین است و اوضاع فقط برای معدنچیان بد نیست اما الان معدنچیان اینجا جمع شده‌اند".



تونی یکی دیگر از معدنچیان می‌گوید: " تظاهرات تمام شد ولی جنگ تازه شروع شده است برای اینکه وزارتخانه از مذاکره با اتحادیه‌ها طفره رفت."



آن‌ها از جمله به برنامه دولت اسپانیا برای کاهش مساعده‌های مالی معترض اند و قصد دارند با راه پیمایی شان ضمن جلب استقبال عمومی، مسئولان دولتی را متوجه خواسته های خود کنند.

حزب حاکم اسپانیا کاهش یارانه‌های دولتی را به تصویب رسانده و معدنچیان اسپانیایی ضمن اعتراض به این موضوع نگران از دست رفتن فرصت‌های شغلی در بخش صنعت معدن هستند.

در هفته‌های گذشته درگیری‌هایی نیز میان کارگران معترض معدن و پلیس اسپانیا وجود داشته است.



همسر رضا شهابی در مورد وضعیت فعلی وی اعلام داشت ایشان کماکان در بیمارستان بستری هستند و در انتظار جراحی بسر می‌برند.

رضا شهابی، فعال کارگری، عضو سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و مسئول سابق واحد کارگری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران پیش‌تر از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران توسط قاضی صلواتی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس و هم چنین به اتهام تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی نیز به پنج سال حبس محکوم شده بود وی همچنین در این حکم به ۵ سال ممنوعیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شده است.



**با امید به کسب قدرت همه کارگران و  
زحمتکشان هم در تولید - توزیع و هم  
در سیاست**

**Weblog: [controlkargari.wordpress.com](http://controlkargari.wordpress.com)**

**E-mail: [control.kargari@gmail.com](mailto:control.kargari@gmail.com)**

همزمان با این تظاهرات، ماریانو راخوی نخست وزیر این کشور کاستن از هزینه‌های دولتی، افزایش سه درصدی مالیات بر ارزش افزوده و خصوصی سازی فرودگاه‌ها، خطوط ریلی و بنادر را بعنوان بخشی از برنامه‌های ریاضت اقتصادی این کشور در قبال دریافت کمک‌های بین المللی در دستورکار دولت قرار داد.

یکی از کارگران حامی معدنچیان در مورد برنامه‌های جدید ریاضتی آقای راخوی می‌گوید: " این کاستن از هزینه‌های دولت بزرگترین ظلمی است که تاکنون در این کشور به طبقه کارگر روا شده است. بنظر من در شرایط فعلی و درحالیکه دولت با یارانه‌های خود به بانک‌ها کمک می‌کند، باید از همه کارگران و بویژه معدنچیان حمایت کرد."

در جریان این تظاهرات، معترضان با پرتاب مواد محترقه، سنگ و بطری‌های آب به سمت نیروهای امنیتی خشم و نارضایتی خود را نشان دادند. طبق آخرین گزارش‌ها در جریان درگیریهای روز چهارشنبه مادرید دستکم دو نفر مجروح شده‌اند.



**محکومیت رضا شهابی، فعال کارگری به شش سال حبس  
تعزیری**



رضا شهابی، فعال کارگری و عضو سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه از سوی دادگاه انقلاب شعبه تجدید نظر استان تهران به شش سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد.

**زنده باد سوسیالیسم**